



بسترهای تاریخی شکل‌گیری
قاچاق کالا، در ایران معاصر

حامد ایرانشاهی^{۱۲}

شعبه پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱۲. کارشناسی ارشد علوم سیاسی و تاریخ انقلاب اسلامی از دانشگاه خوارزمی، پژوهشگر آرشیو ملی ایران
Email: hamed_iranshahi@yahoo.com

چکیده

پدیده قاچاق کالا از جمله مخاطرات و آسیب‌های جدی حوزه بازرگانی و تجارت به حساب می‌آید که تقریباً به اشکال گوناگون در ادوار مختلف تاریخ وجود داشته است. فقدان منابع کافی جهت اطلاع کامل از وضعیت قاچاق در اعصار پیشین در ایران، سبب گردیده ارائه گزارشی مستند از این پدیده تا حدودی غیر ممکن گردد و به استثنای دوران معاصر، پژوهشگر نتواند تحلیلی جامع از این مسئله ارائه نماید.

افزایش قاچاق کالا، در مفهوم جدید خود با توسعه اقتصادی رابطه‌ای عکس دارد و برای ارائه تحلیلی جامع از وضعیت قاچاق در ادوار مختلف، نخست می‌بایست تحلیلی از وضعیت اقتصادی و میزان توسعه یافتگی آن دوران ارائه کرد. با عطف به این نکته در این مقاله کوشش خواهد شد با توجه به وضعیت اقتصادی مردم ایران در اواخر قرن نوزدهم و اوایل سده بیستم میلادی، بسترهای شکل‌گیری پدیده قاچاق کالا در ایران معاصر مورد بررسی و تحلیل قرار بگیرد.

واژگان کلیدی: قاچاق، قاچاق کالا، ایران معاصر، اقتصاد، توسعه اقتصادی

مقدمه

قاچاق^{۱۳}، از ریشه کلمه ترکی "قاچماق" مشتق گردیده و دقیقاً به معنای فرار کردن می‌باشد و در عرف اقتصادی به جابه‌جایی کالا در طول مرز گمرکی، به روشی مخفیانه و به منظور فرار از نظارت گمرکی اطلاق می‌شود. (بنائی، ۱۳۷۷، ص. ۷۶).

پروتکل ۱۹۰۹ لندن که یکی از متون قابل استناد در حقوق اقتصادی بین‌المللی است، کالاهای قاچاق را به دو دسته کلی تقسیم نموده است: دسته نخست کالاهایی که عنصر زمان و مکان تاثیری در وضعیت آنها نداشته و همیشه قاچاق محسوب می‌شوند که مواد مخدر نمونه بارز این دسته است، و دسته دیگر کالاهایی که بنا بر شرایط خاص زمانی، قاچاق به حساب می‌آیند و اعمال محدودیت ورود و خروج این کالاها با توجه به منافع اقتصادی ملتها صورت می‌پذیرد (بنائی، ۱۳۷۷، ص. ۷۵). مراد از قاچاق در این مقاله، نوع دوم آن (یعنی قاچاق کالا) می‌باشد که پیامدهای منفی و تاثیرات غیر قابل انکاری در شکل‌گیری اقتصاد غیررسمی و پنهان در یک جامعه داشته و سد بزرگی در مقابل توسعه اقتصادی به حساب می‌آید.

از این منظر، مسئله اصلی در این نوشتار معرفی بسترهای شکل‌گیری قاچاق کالا در ایران معاصر به عنوان عامل اساسی توسعه نیافتگی در حوزه اقتصاد و بازرگانی، و همچنین بسترهای شکل‌گیری مبارزه با این پدیده، در دوره مورد نظر است.

در تبیین مقدمه تاریخی بحث باید گفت قاچاق کالا، همچون برخی دیگر از اصطلاحات اقتصادی، ریشه‌ای کهن در تاریخ اقتصاد ایران دارد و امری نهادینه شده در بازرگانی و تجارت این کشور است. برای نمونه می‌توان از قاچاق پیاز زعفران در عصر مادها به مناطقی نظیر چین، و یا قاچاق کرم ابریشم از چین به ایران و از ایران به اروپا در عصر ساسانی نام برد، که به دلیل فقدان اسناد معتبر و کافی نمی‌توان گزارش مبسوطی را درباره اینگونه مبادلات ارائه کرد.

قاچاق کالا، در دوران معاصر دچار تحول معنایی شگرفی گردیده است. این مفهوم

در معنای جدید خود بعضا پدیده‌ای ناشی از رشد سرمایه داری غرب تلقی می‌شود. برخی بر این باورند که مرکانتیلیسم با هدف افزایش قدرت دولت‌های غربی، از طریق صادرات بیشتر در مقابل واردات کمتر، موجب انباشت سرمایه گردید که بخش اعظمی از مبادلات اقتصادی مذکور به شکل غیر رسمی (قاچاق) صورت می‌پذیرفت.

روابط ایران و اروپا که به طور رسمی از دوره فتحعلی شاه قاجار آغاز گردید بود (معاهده فین کنشتاین)، پیامدهای منفی ای را برای اقتصاد ایران در پی داشت. حضور مستشاران غربی در ممالک محرومه فارس، در کنار اوضاع نابسامان اقتصادی عصر قاجار، سبب تقویت پدیده قاچاق در ایران گردید و تقریبا در این دوران علاوه بر مستشاران خارجی، جمع کثیری از کسانی که با کشورهای خارجی در ارتباط بودند علاوه بر داشتن عناوین رسمی‌ای چون دیپلمات، بازرگان، مستشار، دانشجو، و...، به امر قاچاق کالا نیز مبادرت داشتند. (ساکما^{۱۴}، ۱۳۱۳: ش س ۲۳۱۰-۲۴۰)

پادشاهان و دولتمردان ایرانی نیز هیچ یک مبارزه با این مسئله را، که به اقتصاد رسمی ایران آسیب می‌زد، در دستور کار قرار ندادند و به دلیل عدم درک ضرورت آن، و همچنین اقتصاد معیوب و بیمار ایران، طبیعتا راهبردی نیز جهت کنترل و مهار آن نداشتند. در نتیجه قاچاق کالا در مفهوم جدید خود، رفته رفته در ایران نهادینه گردید و بسترهای پیدایش آن، این گونه شکل گرفت.

روش تحقیق

این مقاله همچون اغلب پژوهش‌های تاریخی، مبتنی بر روش تحقیق کتابخانه‌ای است. در این روش، کلیه اسناد مکتوب همچون کتابها، اسناد دولتی و غیر دولتی مورد استفاده قرار خواهد گرفت و با اتکا به آنها تحلیلی کیفی از بسترهای شکل‌گیری پدیده قاچاق در کشور ارائه خواهد گردید. لازم به توضیح است که فقدان اسناد کافی در مورد حجم

۱۴. ساکما = سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (در رفرنس‌دهی درون متنی، اسناد موجود در این سازمان، به دنبال این اصطلاح می‌آیند)

کالاهای قاچاق شده و همچنین عدم ثبت و ضبط مناسبات اقتصادی کشور در قرن نوزدهم، و اوایل قرن بیستم امکان تدوین یک پژوهش کمی در این حوزه را از پژوهشگر می‌ستاند.

در این تحقیق با توجه به محدود بودن مطالعات اسنادی در کشور، تلاش می‌شود تا از منابع سندی نیز استفاده شود، لذا بیش از یکصد سند تاریخی موجود در آرشیو ملی ایران برای این تحقیق، مورد مطالعه قرار گرفته که در بخش منابع به پاره‌ای از مهمترین آنها اشاره خواهد گردید.

مروری اجمالی بر اوضاع اقتصادی ایران در سده نوزدهم

به طور کلی اوضاع اقتصادی ایران در سراسر سده نوزدهم میلادی در وضعیت مطلوبی قرار نداشت، لیکن این وضعیت پس از انقلاب مشروطیت به سمت و سوی وخامت گرایید. کشاورزی که تا آن روز محور اصلی اقتصاد ایران به شمار می‌رفت در وضع نامطلوبی بود و فعالیت کشاورزان کفاف امور خود آنها را نیز به سختی می‌داد. صنایع محدود داخلی نیز در حال برچیده شدن بود و تولیدات چند کارخانه‌ای که پس از انقلاب مشروطیت دایر گردیده بود یارای برابری با کالاهای مشابه خارجی را نداشت و این صنایع نیز به حالت نیمه تعطیل در آمده بودند. بازرگانی ایران هم بر محور واردات کالاهای خارجی استوار بود و تجار در عمل به صورت واسطه و دلال محصولات خارجی در آمده بودند. در عین حال تجارت کالاهای پر سود نیز در انحصار دولت‌های خارجی قرار داشت و که یا از طریق معاهدات دولتی و یا از طریق انحصاری که قدرتهای خارجی آن روز، به دولت ایران تحمیل کرده بودند، به آنها واگذار گردیده بود. از سویی دیگر برخی از مناطق که به لحاظ اقتصادی بخشی از سرزمین‌های غنی ایران به حساب می‌آمدند طی معاهده‌های مختلف از ایران منفک شده بودند و این مسئله نیز به اقتصاد ایران آسیب جدی وارد آورده بود.

در نتیجه تسلط سیاسی روسیه و انگلستان، تغییراتی در اقتصاد ایران رخ داد که

سبب افزایش تجارت با اروپا گردید. رقابت اروپائیان در اقتصاد داخلی ایران تاثیرات زیان‌آوری بر بسیاری از صنایع محلی همچون صنعت نساجی داشت و آن را تقریباً تعطیل کرد. واردات کالاهای غربی هر گونه فرصتی را از جهت توسعه تولید ملی سلب کرد و راه را برای تسلط اقتصادی غرب بر ایران هموار نمود. نمونه‌های متعددی از شکایات بازرگانان محلی علیه ورود کالاهای خارجی و نیز ورشکستگی‌هایی که نتیجه تغییر شرایط متغیر تجارت خارجی بود وجود دارد (جمالزاده، ۱۳۸۴، ص. ۲۱) از سویی دیگر اعمال تعرفه‌های گمرکی متفاوت برای ورود و خروج کالا از کشور که براساس پیمان نامه‌هایی نظیر ترکمنچای (۱۸۲۸م) معمول شده بود برای تجار ایرانی به شدت زیان آور بود و آنها را به سمت و سوی قاچاق کالا سوق می‌داد.

جدای این مسائل، اقتصاد ایران نیز چالش‌های بسیاری داشت و دارای بنیادهای بیمار و معیوبی بود که در مقابل توسعه اقتصادی این کشور، ایجاد سد می‌کرد. از مهم‌ترین موانع موجود در جهت رشد اقتصادی ایران عدم امنیت اقتصادی بود و این ناامنی که جان و مال مردم را تهدید می‌کرد ریشه در نبود دولت مرکزی قدرتمند داشت. به نحوی که در هر کوی و برزن، زورگیران به چپاول اموال مردم می‌پرداختند و در عمل از دست دولت مرکزی برای ایجاد امنیت کاری ساخته نبود.

بحران‌های اقتصادی یکی پس از دیگری در سپهر اقتصاد ایران ظاهر می‌شد و دولت در مهار آنها روز به روز ناتوان‌تر به نظر می‌رسید، لذا ناچار گردید دست‌طلب مقابل دولت‌های خارجی به خصوص روسیه و انگلستان دراز نمایند و مشکل دیگری را به نام قرضه خارجی گریبانگیر اقتصاد کشور کند. به طوری که این روند تا سالیان متمادی پس از مشروطیت نیز ادامه یافت. معضل قرضه خارجی از آنجا حادث می‌شد که منابع مطمئن ثروت و درآمد کشور از جمله گمرکات به عنوان ضمانت بازپرداخت وام‌های یاد شده در گرو روس و انگلیس گذارده شده بود (فوران، ۱۳۸۶، ص. ۲۱۷). با تحمیل کاپیتولاسیون که به تدریج بیش از یازده کشور اروپایی موفق به اخذ آن شدند، ضعف دولت مرکزی در تسلط بر امور اقتصادی، بیش از پیش نمایان شد و نیاز

قدرت‌های بزرگ به بازارهای جدید و مواد خام، باعث ورود سرمایه‌داری غرب به ایران از راه‌های مختلف گردید، که قاچاق یکی از آنها بود.

زمینه‌های شکل‌گیری پدیده قاچاق کالا در ایران معاصر

یکی از مفاهیمی که پس از انقلاب صنعتی، دچار تحول اساسی شد، مفهوم قاچاق کالا بود. این اصطلاح پس از این تحول، دارای وجوه حقوقی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی گردید و معنای وسیع‌تری (نسبت به قبل) یافت. قاچاق (در تعریف جدید خود) در ایران با افزایش حضور مستشاران خارجی، پیدایش و تکوین یافت، و توسط بازرگانان و پیشه‌وران ایرانی نیز در اقتصاد ایران نهادینه شد (فلور، ۱۳۶۶، ص. ۲۳۶). این چالش، در کنار مشکلات عدیده اقتصادی مردم، سبب آن شد که هر کس در صورت بضاعت و توان به این امر مبادرت ورزند. برای نمونه مسافران و یا کسانی که به قصد انجام سفرهای زیارتی نظیر حج و عتبات عالیات از کشور خارج می‌شدند نیز، کالاهایی را به صورت قاچاق به همراه خود وارد یا خارج می‌کردند (فلور، ۱۳۶۶، ص. ۲۳۷).

ساکنان مناطق مرزی نیز به دلیل موقعیت ویژه‌ای که داشتند از دیگر کسانی بودند که به تکوین پدیده قاچاق در ایران کمک‌های شایانی نمودند. کردها، اعراب خوزستان، آذری زبان‌ها، ساکنان حاشیه خزر، کرمانزها، بلوچ‌ها و مردم ساکن حاشیه خلیج فارس و دریای عمان هر کدام به نوعی به این امر مبادرت داشتند (ساکما، ۱۳۱۳، ش س. ۲۳۱۰-۲۴۰). اقدامات مردم مناطق مرزی در امر قاچاق کالا، در کنار کاهلی و کوتاهی ماموران سرحدی، به افزایش حجم کالاهای قاچاق منجر می‌گشت. این ماموران با رعایت نکردن قوانین و مشارکت در امر قاچاق کالا، در بسط این مسئله نقش به‌سزایی داشتند. آنها از قاچاق کالا سودهای کلانی می‌بردند و طبیعی بود که با توجه با اندک بودن حقوق و مزایای ماهیانه شان در مقابل درآمد آنها از قاچاق، اقدامی در خصوص مقابله با آن صورت ندهند. (ساکما، ۱۳۱۳، ش س. ۲۳۱۰-۲۴۰)

جدای از موارد فوق به نظر می‌رسد آنچه که باعث شکل‌گیری قاچاق کالا در

ایران گردید فراتر از این عوامل خرد است و بسترهای شکل گیری پدیده قاچاق در ایران موارد بنیادی تری است که با توجه به تقدم تاریخی آنها در ادامه به اهم از آنها اشاره خواهد شد:

الف) نفوذ غرب و در اختیار داشتن بازار ایران توسط آنها: نفوذ سیاسی و اقتصادی غرب در ایران، یکی از عوامل مهم در شکل گیری پدیده قاچاق در ایران معاصر است. اروپا از یک سو با در اختیار داشتن اقتصاد ایران و از سوی دیگر با ایجاد نیاز عمومی، نسبت به محصولات مدنیت جدید، باعث شد که قاچاق کالا، یکی از راه‌های دسترسی آسان و کم هزینه مردم به کالاهای جدید غربی شود. نفوذ غرب در اقتصاد ایران که با عهدنامه فین‌کنشتاین آغاز شده بود به واگذاری امتیازات اقتصادی فراوان توسط دولت ایران، به غرب انجامید و سرآغازی بود که دیگر دولت‌های غربی نیز نفوذ خود را در ایران گسترده نمایند. (شمیم، ۱۳۳۲، ص. ۶۶)

امتیاز تأسیس تلگراف (۱۲۸۰ ق)، امتیاز تأسیس بانک شاهنشاهی (۱۲۸۹ ق)، امتیاز (رویترز) استفاده از تمام معادن زیرزمینی از جمله نفت و ذغال سنگ (۱۲۸۹ ق)، امتیاز کشتیرانی در کارون به کمپانی برادران لنج، امتیاز بهره برداری شیلات (۱۳۰۶ ق)، امتیاز کاوش و حفاریات شوش (۱۳۰۱ ق)، امتیاز انحصاری اکتشاف آثار عتیقه در تمام خاک ایران (۱۳۱۵ ق)، امتیاز (رژی) خرید توتون و تنباکو (۱۳۰۹ ق)، امتیازات حفاری چاه‌های نفت در مناطق جنوبی و نفت خیز (۱۳۰۶ ق)، امتیاز دارسی، و... از جمله امتیازاتی بود که دولت ایران طی معاهدات مختلف در قرن نوزدهم به دولت بریتانیا واگذار کرده بود. (تیموری، ۱۸۰، ص. ۲۳۶)

به همین ترتیب در مقابل امتیاز انحصاری بهره برداری از شیلات شمال (۱۲۸۵ ق)، امتیاز احداث سیم تلگراف (۱۲۸۶ ق)، تأسیس بانک استقراضی در مقابل بانک شاهنشاهی انگلیسی‌ها، تأسیس و تشکیل هسته نظامی بریگارد قزاق توسط روسها که تمام نیروی نظامی و امنیتی ایران را در اختیار می‌گرفت (۱۲۹۷ ق)، امتیاز احداث خط شوسه بین بندر انزلی و قزوین (۱۳۱۰ ق)، امتیاز استخراج معادن قزاق داغ آذربایجان

از طرف دولت ایران به شرکت روس به مدت ۷۰ سال (۱۳۱۶ ق) و... نیز از جمله امتیازاتی بودند که دولت روس توانسته بودند از پادشاهان قاجار بستانند. (گل محمدی، ۱۳۶۸، ص. ۲۸)

در این میان دولت فرانسه نیز بی بهره از امتیازات اهدائی شاهان قاجار نبود. آنها پس از معاهده فین کنشتاین در حدود سالهای ۱۳۱۴-۱۳۱۵ امتیاز کاوشهای علمی برای کشف آثار باستانی را در سراسر خاک ایران برای مدت نامحدودی از مظفرالدین شاه گرفتند و به اکتشاف و قاچاق آثار باستانی و عتیقه ایران پرداختند. (تیموری، ۲۳۷) نفوذ تمام عیار غرب در خاک ایران به نحوی که ذکر گردید، از چند طریق باعث گسترش قاچاق در ایران شد. نخست آنکه این نفوذ، با سرعت تمام اقتصاد ایران را تضعیف نمود و سبب تعطیلی صنایع محدود داخلی شد. در چنین وضعیتی کالاهای غربی دارای اهمیت فراوان شدند. از سوی دیگر مواد خام نیز ارزش اولیه خود را از دست داد. فعالان اقتصادی ایران به دلیل مشکلات اقتصادی ناشی از این وضعیت، و همچنین ناتوانی در پرداخت عوارض گمرگی که غربی‌ها بر اساس برخی معاهدات مختلف وضع کرده بودند، اقدام به قاچاق کالا نمودند و البته برای امرار معاش خود راهی جز این هم نداشتند. مستشاران غربی هم که حجم بالاتری را از کالاهای صادره و وارده قاچاق می‌کردند، خود و عناصر وابسته شان را از پرداخت حقوق گمرکی معاف کرده بودند.

غرب که به اندازه کافی جهت ضربه زدن به اقتصاد ایران انگیزه داشت و واضح بود که با توسعه اقتصادی ایران آنها بازار بزرگی را جهت آب کردن محصولات خود از دست خواهند داد، اقتصاد ایران را در شرایط وابسته، منزوی نموده بود و جلوی توسعه اقتصادی ایران موانع جدی گذاشته بود. غربیها می‌دانستند که ایران توسعه یافته در این حد به آنها باج و امتیاز نمیدهد، لذا یکی از راههایی را که برای این مسئله انتخاب نمودند توجه به بازار غیر رسمی و گسترش قاچاق در ایران بود.

آنها با انعقاد قراردادهای مختلف علاوه بر هزینه‌های گزاف اقتصادی و سیاسی که به

ایران تحمیل نمودند، بسترهای قاچاق کالا در این کشور را نیز پایه گذاری کردند، اروپائی‌ها که هم نهاد مجری و حامی قاچاق، و هم نهاد ناظر بر گمرکات ایران بودند، بسیاری از تولیدات خود را بدون کمترین مشکلی وارد ایران می‌کردند و در مقابل، کالاهای بی شماری از جمله مواد خام، اشیاء تاریخی و آثار باستانی، تولیدات کشاورزی نظیر تریاک و... را نیز به سهولت از ایران خارج می‌کردند. لذا با توجه به این موارد به نظر می‌رسد اولین و اصلی ترین عامل در ایجاد بستر مناسب جهت قاچاق کالا در ایران معاصر را می‌بایست نفوذ غرب و حضور اقتصادی آنها در ایران دانست.

ب) افزایش اهمیت مرزهای جغرافیایی: پیش از دوران معاصر مفهوم مرز در اغلب نقاط دنیا (به جز در مسائل سیاسی و امنیتی) اهمیت چندانی نداشت و ساکنان کشورهای همسایه با مشکلات اندکی مرزها را درمی‌نوردیدند و با اهداف مختلف فرهنگی و اقتصادی از خاک یکدیگر گذر می‌نمودند. مفهوم مرز پس از جنگ جهانی اول شکل مهمتری به خود گرفت و دولت‌ها ناچار گردیدند نظارت خود را به مرزهای جغرافیایشان با اهداف مختلف افزایش دهند و حراست خود را نیز از آنها بیشتر کنند. کنترل مرزها در ایران، پیش از روی کار آمدن حکومت پهلوی، در انحصار طوایف و قبایل ساکن مناطق مرزی بود و فقدان حاکمیت منسجم در مرکز ایران در سراسر عصر قاجار باعث شده بود که دولت مرکزی برنامه مدونی جهت حراست از مرزها و به دنبال آن مقابله با قاچاق کالا نداشته باشد.

در سراسر قرن نوزدهم، برقراری امنیت مرزها، اهمیت بالایی برای حاکمیت مرکزی ایران نداشت، چرا که دولت در برقراری امنیت در قلب شهرهای مهم خود نیز ناتوان بودند و به همین دلیل امنیت مناطق مرزی را اگر نتوان ادعا کرد که رها کرده بود، باید اذعان داشت که نفوذ چندانی بر مرزها نداشت. با توجه به این وضعیت، ورود و خروج کالا از این مناطق با سهولت بسیاری انجام می‌پذیرفت و قاچاق یک امر بی معنا شده بود چرا که اصولاً نهادی وجود نداشت که بخواهد به خاطر این عمل، کسی را بازخواست نماید. با اهمیت یافتن مفهوم مرز سیاسی، قاچاق کالا نیز معنا و اهمیت

جدیدی یافت و معنای نوینی به خود گرفت. همسایه شمالی (روسیه) و غربی (عثمانی) ایران با توجه به نفوذ و قدرتی که در مناطق مرزی مشترک با ایران داشتند بیش از ایران، به برقراری امنیت و کنترل در مرزهای خود می‌اندیشیدند. لذا طبیعی بود که مبارزه با پدید قاجاق کالا در این کشورها به ویژه روسیه، بسیارزودتر از ایران در دستور کار قرار بگیرد. این اهمیت در دوران جنگ‌های بین الملل اول و دوم، حالتی فوق العاده یافت و قدرتهای بزرگ دنیا نه تنها از مرزهای خود بلکه از مرزهای کشورهایی که منافع مشترک در آن داشتند نیز حفاظت و حراست می‌کردند.

جنگ‌های جهانی اهمیت مرز را به مراتب بیش از پیش کرد و همزمان با وقوع جنگ جهانی اول همه کشورهای دنیا اهمیت فوق العاده مرزهای جغرافیایی خود را دریافته بودند و ورود خروج هر چیزی را از آن کنترل می‌کردند. ایجاد کشورهای جدید و انحلال امپراطوری‌های بزرگی همچون عثمانی و بالقوه بودن خطر تجزیه برای کشورهای بزرگ دیگر، اهمیت حفاظت و حراست از مرزهای جغرافیایی را دوچندان کرده بود و مبارزه با قاجاق نیز با عطف به این اهمیت، در دستور کار دولت‌ها قرار گرفته بود.

با ورود دنیا به قرن بیستم، مرز و بوم، عنصر اصلی، و روح مطالعات ژئوپلیتیک و استراتژیک گردید و تأمین امنیت مرزها، همواره یکی از موضوعات مهم و کاربردی در جغرافیایی سیاسی به حساب می‌آمد. لذا با عطف به این تحول هم مفهوم قاجاق و هم مبارزه با آن پس از روشن شدن اهمیت مرزها در ایران و جهان، دارای بار مفهومی جدید شد.

ج) وضع نابسامان معیشت مردم و عدم توسعه اقتصادی در قرن نوزدهم: جان فوران نویسنده کتاب مقاومت شکننده با تکیه بر مفهوم وابستگی بر این اعتقاد است که بعد از پایان یافتن ائتلاف مشروطه‌خواهان مخالف سلطنت، کسانی که نهایتاً از خارج ضامن وابستگی ایران بودند، گام پیش نهادند و با مداخله خود، به حفظ نظام استبدادی و سرکوب نهضت مردمی پرداختند. در نتیجه زمام اقتصاد مملکت همچون امور

سیاسی در انحصار هم پیمانان خارجی استبداد داخلی قرار گرفت. و اگر چه نفوذ سیاسی غرب در ایران دیری نپایید که برچیده شد، لیکن این نفوذ به دلیل شرایط ویژه اقتصادی ایران، همچنان پابرجا ماند.

اضمحلال اقتصاد ایران در دنیای نوین استعماری و عدم تطابق آن با دنیای جدید یکی از زمینه‌های اصلی وقوع انقلاب مشروطه بود، لیکن پس از پیروزی انقلاب، آنچه کمتر از هر چیز مورد اصلاح و تحول قرار گرفت، حوزه اقتصاد بود. فرجام اقتصاد ممالک محرومه قاجار در کشاکش رقابت‌های سیاسی داخلی و خارجی، به گونه‌ای رقم خورد که دولتمردان پس از مشروطه، نتوانستند ساختار منسجم و مستحکمی را برای اقتصاد این کشور ایجاد کنند و ایران را به سمت وابستگی تام در معادلات بین‌المللی سوق دادند. وابستگی و وخامت اوضاع اقتصادی پس از انقلاب مشروطه بحران‌های جدی‌ای را برای اقتصاد ایران به ارمغان آورد نه دولت و نه مجلس تازه تأسیس شورای ملی هم نتوانستند از وخامت اوضاع اقتصادی ایران بکاهند و سرانجام سبب آسیب‌پذیری آن شدند.

دولت به قرضه خارجی روی آورده و در ازای آن زمام اقتصاد مملکت را به دست طلبکاران خود سپرده بود. (فوران، ۱۳۸۶، ص. ۲۱۷) همه فعالیت اقتصادی تجار و بازرگانان ایرانی نیز با عطف به این مسائل، در تبادل مواد خام و اولیه ایران نظیر تریاک، برنج، پنبه، توتون، تنباکو، ابریشم، پشم و... با فراورده‌های صنعتی اروپا، خلاصه شده بود. کنترل غرب بر تجارت و اقتصاد ایران با کسب امتیازات اقتصادی و معافیت‌های گمرکی توسط دولتهای استعماری همراه گردید و روز به روز فاصله این کشور را با توسعه اقتصادی بیشتر کرد. در چنین شرایطی قاچاق کالا در ایران شکلی رسمی به خود گرفت و برخوردی با آن صورت نپذیرفت.

بالا بودن هزینه تولید در ایران و همچنین پایین بودن کیفیت کالاهای تولید شده داخل در مقایسه با نمونه‌های خارجی آنها، باعث می‌شد که روز به روز نیاز اقتصاد ایران به اقتصاد مکمل خارجی بیشتر شود.

چالش دیگر اقتصاد ایران در این عصر این بود که تولید کالا در ایران قرن نوزدهم بر اساس یک برنامه راهبردی انجام نمی‌پذیرفت و گاه‌کالای تولید شده روی دست تولید کنندگان می‌ماند، در حالی که در برخی از کالاها، بازار ایران با کمبود مواجه بود. از سویی دیگر سرمایه‌گذاری در تولید کالا با نوعی آنالیز و سنجش همراه نبود تا به واسطه آن قیمت تمام شده کالای تولید شده داخل با مشابه خارجی آن سنجیده شود. ایران در قرن نوزدهم همه شرایط یک اقتصاد توسعه نیافته را دارا بود و به همین واسطه مردم در وضعیت بد مالی و معیشتی قرار داشتند. اقتصاد رسمی در این شرایط پاسخگوی نیازهای پیشه‌وران ایرانی نبود و ناچار آنها به سمت و سوی اقتصاد پنهان و غیر رسمی گراییده شدند. اقتصاد پنهان یا همان قاچاق نیز مورد حمایت کسانی بود که در آن روز نبض اقتصاد کشور را در دست داشتند و از این وضعیت نابه‌سامان بهره‌فراوان می‌بردند.

د) نیاز ایرانیان به کالاهای جدید بر اساس تحولات سبک زندگی آنها در اوایل قرن بیستم: دیپلماسی فرهنگی غرب، در نشانه رفتن ضمیر ناخود آگاه ایرانیان به قدری قوی بود که همه ایرانیانی را که حتی نامی از غرب و مظاهر تمدنی آن شنیده بودند را نیز تحت تاثیر خود قرار می‌داد. غربی‌ها به منظور آب کردن محصولات مدنیت جدید خود در کشورهای جهان سوم، نیاز به تبلیغات جدی داشتند، که آن را از طریق به رخ کشیدن رفاه حاصل آمده در غرب به واسطه انقلاب صنعتی، به مردم کشورهای توسعه نیافته، صورت دادند. پیشرفت‌های علمی و صنعتی شتابان و سلطه بورژوازی بر عرصه سیاسی غرب، اروپاییان را بر آن داشت تا از یک سو برای تامین مواد اولیه تولید و نیروی کار ارزان و از سوی دیگر به منظور یافتن بازارهای جدید برای فروش محصولات صنعتی خود در سطح جهان به استعمارگری روی آورده و کشورهای آسیایی و آفریقایی را مورد استثمار قرار دهند. لیکن نه استعماری که با زور همراه باشد بلکه استعماری که طالبان آن بیشتر مردم جامعه هدف باشند.

ایران هم با توجه به موقعیت جغرافیایی راهبردی و برخورداری از منابع سرشار

معدنی و غیرمعدنی و بازار مصرف بکر، نه تنها از دست‌اندازی قدرت‌های بزرگ و استعمارگر اروپایی در امان نماند، بلکه حتی به صحنه اصلی رقابت و کشمکش این قدرت‌ها مبدل شد. چرا که معامله با ایران، معامله‌ای دو سر سود بود و هم به این واسطه بازاری برای محصولات غربی حاصل می‌آمد، و هم مرکزی جهت خرید ارزان مواد خام اولیه برای غرب مهیا می‌شد. رقابت قدرت‌های بزرگ خارجی و عهدنامه‌هایی که در این دوره با این کشورها منعقد می‌شد، موجبات تثبیت نفوذ سیاسی و اقتصادی آنها در ایران را فراهم کرد. سیل ورود کالاهای خارجی به ایران که از قرن سیزدهم آغاز شده بود، در اواسط قرن نوزدهم شدت یافت و رفته‌رفته باعث اضمحلال و ورشکستگی صنایع داخلی، بیکاری و فقر عمومی مردم شد؛ وقایعی که از یک سو کاهش سطح رفاه و نارضایتی اقشار و طبقات اجتماعی مختلف از حکومت را در پی داشت و از سوی دیگر درآمدهای مالیاتی را که بخش عمده‌ای از درآمد دولت را به خود اختصاص می‌داد، دچار نقصان کرد. لیکن کار از کار گذشته بود و ایرانیان به مثابه معتادی که به مواد مخدر احتیاج دارد، به محصولات تمدنی غرب محتاج بودند و دیگر زندگی آنها بدون این کالاها نمی‌چرخید.

افزایش ارتباط ایرانیان با غرب در سطوح مختلف، مظاهر و شکوه خیره‌کننده سبک زندگی اروپایی برای ایرانیانی که به گونه‌ای با غرب ارتباط داشتند، بیش از پیش نمایان می‌کرد. افزایش رفاه به واسطه ورود کالاهای جدید به زندگی بشر (به عنوان اصلی‌ترین مؤلفه محصولات تولید شده غرب)، هر ایرانی را که اندکی تمول مالی داشت تحریک می‌نمود که در سبک زندگی خود تحول دهد و محصولات مدینیت جدید غرب را وارد زندگی خود نماید. و از آنجایی که ساز و کار قانونی برای ورود کالاهای جدید به کشور وجود نداشت و شرکت و یا موسسه متولی واردات این گونه محصولات به کشور نبودند، تقریباً بر اساس پاره‌ای از اسناد، این قبیل کالاها به شکل فردی و بدون پرداخت هیچ گونه حقوق گمرکی وارد ایران شدند. این مسئله اگر چه برای اقتصاد آن روز ایران چیز عجیبی نبود لیکن رفته رفته به سنتی بدل شد که تا

دوران کنونی نیز امتداد یابد. (ساکما، ۱۳۲۰، ش س. ۱۴۴۱- ۲۴۰)

ه) شکاف دولت- ملت و فقدان توجه کافی به مفهوم منافع ملی: منظور از شکاف دولت - ملت ، نوعی مشکل در تنظیم رابطه سیاسی بین دستگاه دولت از یک سو، و افراد و گروه‌های اجتماعی به مثابه شهروندان یک ملت از سوی دیگر است . بنابراین با توجه به رابطه بین دو خرده نظام اجتماعی (جامعه) و سیاسی (دولت) می‌توان اختلال یا بی نظمی بین دولت و جامعه را به مثابه شکاف تلقی کرد. اگر این رابطه به گونه ای تنظیم شود که نظام سیاسی حاکم و قواعد به کارگرفته شده توسط آن، برای توزیع قدرت متمرکز و مترامم دارای مشروعیت باشد و بازیگران صحنه قدرت نیز به صورتی شفاف و قاعده مند عمل کنند، اعتماد اکثریت مردم جلب شده و بین این دو، پیوندی پویا برقرار خواهد شد. در غیر این صورت یعنی اگر مسئله تنظیم سیاسی به درستی در یک جامعه اجرایی نشود، هر یک از این ابعاد دچار اختلال شده و نتیجه نهایی چنین اختلالی که خود می‌تواند در مرحله بعد بر شدت، اختلالات بیافزاید، شکاف بین دولت و جامعه است. (قوام، ۱۳۹۳، ص. ۱۶۰)

این پدیده در سراسر تاریخ ایران پدیده‌ای قابل رویت است، لیکن در دوران معاصر بر شدت آن افزوده گردید. افکار عمومی در ایران معاصر، منافع خود را منفک از منافع طبقه حاکم تعریف می‌نمود، و در مقابل حاکمیت نیز توجه چندانی به منافع عمومی نداشت. این مشکل تاریخی در دوران معاصر سبب آن گردید که هر گاه دولت قوانینی در حوزه‌های مختلف وضع می‌کرد، مردم در پی دور زدن آن بودند. (ساکما، ۱۳۳۲، ش س. ۲۹۳/۲۰۶۲۴) در شکل گیری پدیده قاچاق نیز اوضاع به همین گونه بود، بدین معنا که زمانی که حاکمیت در پی نظارت بر مرزها و کنترل ورود و خروج کالا از کشور بر آمد، به واسطه وجود این شکاف، مردم در پی دور زدن آن و مخالفت با خواست دولت بودند. برای نمونه می‌توان به گزارش استانداری فارس در سال ۱۳۲۲ اشاره کرد که به موجب آن مقامات استانداری فارس معترف می‌شود که مشکلات مردم با دولت سبب آن گردیده تا قاچاق کالا رشد چشمگیری بیابد. (ساکما، ۱۳۲۲، ش س. ۷۹۰۷/۲۹۳/۹۸)

دوماهنامه اقتصاد پنهان ◆ سال اول ◆ شماره‌های چهارم و پنجم ◆ شهریور - آذر ۱۳۹۶



در این سند اشاره شده است که قاچاقچیان اقدام به پاره کردن سیمهای تلگراف نموده و بعضا اقداماتی برای ضربه زدن به دولت از طریق خسارت به اموال عمومی صورت می‌دهد که ربطی به فعالیت حرفه‌ای آنها نیز ندارد.

بسترهای شکل‌گیری مقابله با قاچاق کالا در ایران معاصر

اگر چه شکل‌گیری پدیده قاچاق به مفهوم جدید آن در اواخر عصر قاجار صورت پذیرفت لیکن مبارزه با این پدیده، در عصر پهلوی اول شکلی جدی به خود گرفت. با روی کار آمدن رضا شاه پهلوی تحولات شکرپی در حوزه اقتصاد رخ داد و زیرساختهای مهمی در این حوزه شکل گرفت که به نوعی سبب محدود شدن قاچاق کالا در ایران معاصر شد که در ذیل به پاره‌ای از آنها اشاره خواهد شد:

الف) لغو برخی از قراردادها و معادات یکجانبه بین ایران و غرب: رضا شاه پس از تاجگذاری، اقدام به لغو قراردادهای یکجانبه‌ای نظیر داری نمود و شرط تداوم آنها را، برقراری سهم برابر با ایران بیان کرد. این اقدام باعث شد تا غرب خود را در وضعیت جدیدی تصور کند و معادلات اقتصادی خود را بر این اساس ترمیم نماید. استفاده از متخصصان ایرانی در پروژه‌های مشترک با غرب (به واسطه این تغییرات) باعث شد که تعداد مستشاران غربی در ایران کاهش یابد و روابط آنها با این کشور نیز بر اساس قواعدی مدون صورت پذیرد. به دنبال این تحولات زمام امور گمرکات ایران نیز در اختیار حاکمیت مرکزی قرار گرفت و دولت ایران بر ورود و خروج کالا از مرزهایش نظارت تام داشت. این اقدام تا حدودی باعث کاهش ورود کالاهای قاچاق به ایران شد سرآغاز فرایند مبارزه با قاچاق کالا در ایران به حساب می‌آید.

ب) کنترل مرزها و سرحدات: اگر دولت مرکزی، در عصر قاجار، نظارت و کنترلی بر مرزهای ایران نداشت، در عصر پهلوی عکس این مسئله بود. رضا شاه با تهیه ارتش مدرن و کنترل مرزهای ایران توسط هنگ مرزی، تا حد زیادی توانسته بود زمام امور مرزها و سرحدات ایران را بر عهده بگیرد و یک امنیت نسبی، در این مناطق

ایجاد نماید. قبایل و طوایف ساکن مناطق مرزی نیز در این ایام خلع سلاح شده بودند و کنترل خود را بر مرزهای ایران از دست داده بودند (امان الهی بهاروند، ۱۳۶۰، ص. ۲۴۱) و از آنجایی که قاچاق کالا عمدتاً از طریق این مناطق صورت می‌گرفت، ورود و خروج غیرقانونی کالا از کشور با مشکلات جدی مواجه شده بود.

ج) ایجاد زیرساخت‌های حقوقی و اداری مناسب جهت مبارزه با قاچاق کالا:

انقلاب مشروطیت سبب آشنایی ایرانیان با مفهوم قانون شد و رفته رفته همه حوزه‌های اجتماعی، دارای زیر ساخت حقوقی مناسب گردیدند. قاچاق کالا و به طور اعم حوزه اقتصاد و بازرگانی نیز از جمله حوزه‌هایی بودند که پس از این عصر دارای مجموعه قوانین و دستورالعمل‌های مدونی گردیدند که اغلب آنها در دوره پهلوی اول مصوب و ابلاغ شد.

مهمترین زیرساخت حقوقی که مانع قاچاق بی رویه کالا در ایران گردید، قانون انحصار تجارت خارجی بود که در سال ۱۳۰۹ ش تصویب و به اجرا درآمد. به موجب این قانون هر گونه تجارت خارجی، زیر نظر دولت و در انحصار آن قرار داشت و در آمد حاصل از این فرایند نیز، در جهت نوسازی ایران هزینه می‌شد. (غلامی و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۲۵-۵۵). این قانون که فعالیت قاچاقچیان در مرزها را به شدت تحت تأثیر خود قرار داد، در پی تصویب نامه سال ۱۳۰۶ ش تصویب و اجرا گردید. در تصویب‌نامه ۲۲ اسفند سال ۱۳۰۶ ش، دوره ششم قانونگذاری مجلس، قاچاق برای نخستین بار تعریف قانونی شد و مجازات‌هایی برای قاچاقچیان به موجب این قانون در نظر گرفته شد. حبس تأدیبی از هشت روز تا یک سال، برگرداندن کل کالای قاچاق و یا معادل ریالی آن به خزانه دولت، مجازاتی بود که برای قاچاقچیان در نظر گرفته شد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، ۱۳۰۶).

در دوره هفتم قانونگذاری نیز مصوباتی در جهت مبارزه با قاچاق کالا به تصویب مجلس رسید. طبق مصوبه ۱۶ اسفند ۱۳۰۷ مجلس هفتم شورای ملی، مجازات قاچاقچیان علاوه بر رد مال یا قیمت آن، پرداخت دو برابر عایدات تعیین شده برای

دولت بود. همچنین حبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال نیز در نظر گرفته شد و افرادی که قادر به پرداخت مبلغ جریمه نبودند، طبق تبصره ماده اول، به ازای هر یک تومان محکوم به تحمل یک روز حبس بودند. در این قانون، برای مأموران کشف یا تعقیب قاچاق که خود مرتکب قاچاق می شدند، یا شرکت یا معاونت در ارتکاب آن داشتند نیز مجازات تعیین شد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، ۱۳۰۷).

دستورالعمل مصوب جلسه هیئت وزیران (مورخ ۲۷ آذرماه ۱۳۱۰ش) در خصوص لزوم تسهیل مبادلات سکنه قراء سرحدی و عشایر مجاور سرحدات اقدام اجرائی دیگری بود که به موجب آن هریک از افراد عشایر سرحدی و ساکنان قریه‌های مجاور سرحد می توانستند از محصولات یا اشیایی که مایملک خودشان بود هر بار تا میزان ۱۰۰ ریال بدون فروش اسعار و اخذ تصدیق صدور از سرحدات ایران صادر کنند؛ همچنین سالی دو مرتبه تا مبلغ 50 ریال اجناسی که مورد احتیاجشان بود از قبیل حیوانات، پشم، و مواد غذایی را بدون ارائه مجوز وارد کنند به موجب این مصوبه گمرک سرحدی هم موظف بود که تسهیلات لازم برای اجرای این تصویب نامه را فراهم کند (ساکما، ۱۳۱۷، ش س ۱۲۲۶۲-۲۴۰).

در دوره نهم قانونگذاری مجلس و در ۲۹ اسفند ۱۳۱۲ش نیز قانونی در ۵۰ ماده تصویب شد که به موجب آن اگر مأموران سرحدی در فرایند قاچاق کالا مشارکت می کردند، به انفصال موقت و در صورت تکرار به انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم می شدند. در این مصوبه، به وزارت مالیه اجازه داده می شد که مبلغی را به عنوان حق الکشف به کاشفان، مخبران، و همچنین به مأموران انتظامی که در کشف قاچاق و ضبط جنس دخالت داشتند، پرداخت و اهدا شود (مذاکرات مجلس شورای ملی، ۱۳۱۲).

پرداخت حق الکشف کاشفان، مخبران، و مأموران از محل وصول جریمه و حاصل فروش کالا، مصوبه دیگر مجلس شورای ملی (بهمن ۱۳۲۰) بود که برای مأموران جهت ممانعت از قاچاق و عدم همکاری با قاچاقچیان ایجاد انگیزه می کرد

(ساکما، ۱۳۲۰، ش س. ۱۴۴۱ - ۲۴۰)

د) ساماندهی طرق و شوارع و ایجاد زیرساخت‌های مناسب جهت حمل و نقل:

یکی از دلایل ناامنی اقتصادی و ورود و خروج کالای قاچاق به ایران، عدم وجود زیرساخت‌های مناسب در حوزه حمل و نقل بود که در دوره پهلوی اول اقدامات قابل توجهی در این خصوص صورت پذیرفت. ساخت اولین راه‌آهن سراسری ایران از دریای خزر تا خلیج فارس، با بودجه داخلی (مالیات‌های قند و شکر)، تأسیس اولین کارخانه هواپیماسازی با خرید امتیاز از هواپیمایی آلمان و همچنین ساخت اولین فرودگاه مهم کشور به نام فرودگاه مهرآباد در ۱۳۱۸ و به طور کلی ایجاد ناوگان حمل و نقل هوایی کشور، ساماندهی جاده‌های داخلی و احداث هزاران کیلومتر جاده آسفالت از جمله اقدامات رضا شاه پهلوی در ایجاد زیرساخت‌های صنعت حمل و نقل کشور بود.

گسترش وسائل ارتباطی و مخابرات نیز امنیت طرق و شوارع را بالا برد و باعث شکل‌گیری نوعی هماهنگی و هم‌افزایی میان ماموران مبارزه با قاچاق کالا گردید. مجموعه این اقدامات باعث توسعه اقتصاد رسمی و محدود شدن اقتصاد غیر رسمی و پنهان شد، و در فرایند توسعه و نوسازی کشور اقدام قابل توجهی به حساب می‌آید.

ه) تلاش در جهت نوسازی اقتصادی: گرچه مجموعه اقدامات پهلوی اول در ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی کشور به توسعه اقتصادی ایران نینجامید، لیکن باعث افزایش توجه فعالان اقتصادی به دولت و شکل‌گیری اقتصاد رسمی شد. توجه دولت به نوسازی اقتصادی، تا حدی موجب رونق اقتصادی در برخی بخش‌ها گردید و فعالان حوزه تجارت با توجه به مجازات‌های سنگینی که برای قاچاق کالا مصوب و ابلاغ شده بود، ترجیح می‌دادند به طور رسمی در حوزه اقتصاد داخلی کشور فعالیت نمایند. بدین ترتیب هر چه رونق اقتصادی ایران بیشتر می‌شد، تجارت و بازرگانی رسمی نیز رونق بیشتری می‌یافت و به استثنای مردم مناطق مرزی، اغلب بازرگانان و پیشه‌وران ترجیح می‌دادند تا از طریق قانونی کالاهای مورد نیاز خود را تأمین نمایند.

انحصار تجارت در دستان حاکمیت مرکزی گرچه بعدها معضلاتی را برای حوزه اقتصاد رقم زد و موانعی را مقابل توسعه اقتصادی ایران قرار داد، لیکن آغازی بود تا دولت مرکزی کنترل خود را بر اقتصاد بیشتر نموده و مقابل اقتصاد غیر رسمی و قاچاق کالا ایجاد سد نماید.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

به طور کلی وضعیت نابسامان اقتصادی و ضعف حاکمیت مرکزی در کنترل مرزها و سرحدات کشور، در قرن نوزدهم میلادی، باعث تکوین پدیده قاچاق به مفهوم جدید آن، در ایران شد و عدم وجود زیرساختهای مساعد توسعه، در همه شئون اجتماعی و اقتصادی، این پدیده را در ایران نهادینه کرد. با روی کار آمدن حکومت پهلوی، مبارزه با قاچاق کالا شکلی جدی به خود گرفت و برنامه‌های راهبردی جدی ای از سوی حاکمیت جهت مهار این پدیده مصوب و اجرا گردید، لیکن به رغم همه این اقدامات به دلیل عدم توسعه اقتصادی، مقابله با قاچاق کالا در کشور نهادینه نگردید. طبق گزارش رئیس یکی از گمرکات غربی، ازدیاد مستحفظان سرحدی و سختگیری برای رعایت قوانین به عنوان یگانه راه جلوگیری از فعالیت قاچاقچیان، تاثیر عمیقی بر فعالیت آنها نگذاشته است و قاچاقچیان به رغم وجود مجازاتهای سنگین و با وجود محکوم شدن به این مجازاتها، پس از پایان حبس نیز به کار خود ادامه می‌دادند (ساکما، ۱۳۱۳، ش.س. ۲۳۱۰-۲۴۰).

به نظر می‌رسد دو عامل ذیل در این مسئله دخیل می‌باشد که ضروری است که این عوامل مجدداً بررسی و معرفی شوند:

الف) تداوم شکاف دولت و ملت: به نظر می‌رسد شکاف دولت و ملت، به همان اندازه‌ای که سبب تکوین پدیده قاچاق کالا در ایران گردید، به همان اندازه نیز باعث امتداد آن شد. چرا که این شکاف همواره بر روابط دولت و ملت تاثیر گذار بوده و رفع آن نیز تنها در گرو توسعه نهاد دولت و شکل‌گیری دولت-ملت امکانپذیر بود، که

هیچ گاه در ایران معاصر این امر محقق نگردید.

با عطف به این مسئله، زمانی که در عصر پهلوی اول یا حتی دوره‌های بعد از آن، حاکمیت مرکزی، اراده‌های خود را معطوف به مبارزه با قاچاق کالا نمود، مردم به دلیل آنکه منافع خود را جدای از منافع دولت می‌دیدند، هیچ گاه با دولت در این راستا همکاری نمی‌نمودند. در ایران معاصر تلقی مردم از پرداخت حقوق گمرکی چیزی نبود جز پرداخت یک مبلغ اضافه و بیهوده به دولت، که این نهاد با قلدری تمام و استفاده از قوه قهریه آن را از مردم می‌ستاند و در جهت منافع طبقه حاکم هزینه می‌نماید. لذا بسیار طبیعی بود که تمایلی به پرداخت این مبلغ از سوی مردم به دولت وجود نداشته باشند و تا آنجا که امکان آن بود از پرداخت آن توسط مردم شانه خالی می‌شد. چنین تلقی ای نه تنها به نهادینه شدن مبارزه با قاچاق کالا منجر نگردید، بلکه به نهادینه شدن قاچاق کالا منجر شد و چیزی که امروز نیز گریبانگیر حوزه تجارت و اقتصاد ایران است تا حدودی ناشی از این نگاه و عدم فقدان یک نگاه ملی به این حوزه می‌باشد.

ب) عدم وجود توسعه همگون (داخلی و خارجی): توسعه نیافتگی به دو صورت سبب شد تا مجموعه اقدامات صورت گرفته در مبارزه با قاچاق کالا به نتیجه مطلوبی منجر نگردد: نخست وجود کشورهای همسایه در منطقه، با میزان توسعه یافتگی نابرابر، در مقایسه با ایران، که از یک سو باعث ورود کالاهای قاچاق، و از سوی دیگر باعث خروج کالاهای قاچاق از کشور می‌شد. بدین ترتیب که مرزهای شمال غربی و جنوبی به دلیل آنکه پل ارتباطی ایران با کشورهای توسعه یافته تلقی می‌شد، در واقع محلی برای ورود کالاهای قاچاق به ایران بود و مرزهای شرقی، غربی، و شمال شرقی به دلیل آنکه پل ارتباطی ایران با کشورهای توسعه نیافته بود، به محلی برای خروج غیرقانونی کالا به آن کشورها تبدیل شده بود. این حالت گرچه در زمانهای مختلف دارای نوسان بود لیکن قرار گرفتن در چنین وضعیتی برای ایران به هیچ وجه مطلوب نبود. نهادینه شدن مبارزه با قاچاق کالا برای ایران (و هر کشوری با مختصات

ایران)، نیازمند آن بود که همه کشورهای منطقه از میزان برابر و نزدیکی از توسعه یافتگی برخوردار باشند تا ورود و خروج غیر قانونی کالا از مرزهای مشترکشان سود چندانی برای قاچاقچیان نداشته باشد.

دیگر آنکه عدم وجود توسعه همگون در داخل مرزهای ایران نیز به گونه دیگری مبارزه با قاچاق کالا را در ایران عصر پهلوی اول بی نتیجه ساخت: بدین صورت که اقدامات صورت گرفته به دلیل عدم هماهنگی در همه حوزه‌های اجتماعی (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و...) منجر به نتیجه مطلوبی نگردید و از دل اقدامات اقتصادی پهلوی اول، توسعه اقتصادی حادث نگردید. این عدم توسعه یافتگی از سوی اقتصاد مردم را ضعیف می‌کرد و از سوی دیگر نیاز ایران را به کالاهای غربی بیشتر می‌کرد که در هر دو حالت قاچاق کالا از سوی مردم اقدام خوبی در جهت افزایش نقدینگی و تأمین کالاهای مورد نیاز تلقی می‌شد. نتیجه چنین فرایندی بی ثمر شدن مبارزه با قاچاق کالا و نهادینه شدن پدیده قاچاق کالا در ایران بود.

مجموع موارد مطرح شده باعث شد که همه اقدامات پهلوی اول نظیر شکل‌گیری زیرساختهای حقوقی مناسب جهت مبارزه با قاچاق کالا، ایجاد زیرساختهای مناسب حوزه حمل و نقل، برقراری امنیت در مرزها و سرحدات، توسعه وسایل ارتباطی، و... نتواند در مقابله با قاچاق کالا ایجاد سد نماید و به نتیجه مطلوبی منجر گردد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- امان الهی بهاروند، اسکندر (۱۳۶۰). کوچ‌نشینی در ایران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب تهران
- بنائی، رضا (۱۳۷۷). آشنایی با مقررات گمرکی و ترخیص کالا تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی
- تیموری، ابراهیم (۱۳۳۲). عصری خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، تهران، انتشارات اقبال
- جمالزاده، سید محمدعلی (۱۳۸۵). گنج شایگان، اوضاع اقتصادی ایران. تهران: نشر سخن
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ جان‌پرور، محسن (۱۳۹۲). مرزها و جهانی شدن: با نگاهی کوتاه به مرزهای ایران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- شمیم، علی اصغر (۱۳۶۲). ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران، چاپ اقبال
- فلور، ویلم (۱۳۶۶). جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، انتشارات توس
- فوران، جان (۱۳۸۶). مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران، انتشارات رسا
- قوام‌ابوالعلی، و مالمیر، مهدی (۱۳۹۳). پژوهشنامه علوم سیاسی، بررسی تحلیلی مفهوم شکاف‌های اجتماعی
- گل‌محمدی، حسن (۱۳۶۸). فتح‌علی‌شاه قاجار و قضاوت تاریخ، تهران، انتشارات نسل دانش
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، ادوار ششم، هفتم، هشتم، نهم (بی تا). مرکز اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی

اسناد

- ساکما: "سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران" (۱۳۱۳) شناسه سند ۲۳۱۰-۲۴۰، موضوع: از رئیس گمرکات سرحدی قصر به رئیس گمرکات سرحدی، جلوگیری از قاچاق در مناطق مرزی غرب،
- ساکما: "سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران"، (۱۳۱۷)، شناسه سند ۱۲۲۶۲-۲۴۰، موضوع: از مهدی‌قلی ریاست وزراء به اداره کل گمرکات (تصویب‌نامه هیات وزیران راجع به مبادلات مرزی
- ساکما: "سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران" (۱۳۲۰)، شناسه سند ۱۴۴۱-۲۴۰،

- موضوع: از وزیر دارایی به اداره کل گمرک، ورود و حمل
- ساکما: "سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران" (۱۳۱۶)، شناسه سند ۳۳۹۱-۲۴۰، موضوع: از وزارت مالیه به اداره کل گمرک، لزوم جلوگیری از قاچاق و صادرات گندم به خارج
 - ساکما: "سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران" (۱۳۱۹)، شناسه سند ۱۲۲۶۲-۲۴۰، موضوع: تصویب نامه های هیئت وزیران راجع به مبادلات مرزی
 - ساکما: "سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران" (۱۳۱۱)، شناسه سند ۶۷۱۰-۲۴۰، موضوع: از رئیس اداره مالیه کرمانشاهان به اداره تفتیش کل مالیه، وضع اقتصادی اجتماعی کرمانشاه، آرشیو ملی ایران ۱۳۱۱
 - ساکما: "سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران" (۱۳۱۳)، شناسه سند ۲۴۶۶-۲۴۰، موضوع: از رئیس کل گمرکات به وزارت جنگ، شیوع قاچاق در سرحدات»
 - ساکما: "سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران" (۱۳۱۳)، شناسه سند ۱۱۲۴۳-۲۴۰، موضوع: ورازت جنگ به ادارات گمرک، شیوع قاچاق در سرحدات، مساعدت عراقی ها در ورود قاچاق به ایران و اتهام رئیس عشایر منطقه قصرشیرین به اخذ رشوه از عشایر جهت حمل قاچاق»
 - ساکما: "سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران" (۱۳۲۲)، شناسه سند، ۷۹۰۷/۲۹۳/۹۸، موضوع: گزارش استانداری فارس درمورد قاچاق
 - ساکما: "سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران" (۱۳۳۲)، شناسه سند، ۲۹۳/۲۰۶۲۴، موضوع: قانون گریزی بازرگانان و پیشه وران